

مدرسه، یک نهاد اخلاقی

گفت‌وگو با دکتر محمد حسنی

دانشیار پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

تنظیم: بهناز پورمحمد

دکتر محمد حسنی در ارزشیابی توصیفی آموزش و پرورش کشور، و نیز ارزشیابی‌های تشخیصی، تکمیلی و ارزشیابی‌های دوره‌ای فعالیت داشته است. او در زمینه اخلاق مدرسه نیز پژوهش‌هایی انجام داده و موفق شده است چندین کار را در این حوزه به سرانجام برساند. رشد مدیریت مدرسه گفت‌وگویی را با موضوع «اخلاق مدرسه» با ایشان ترتیب داد تا مدیران مدارس به شکلی کاربردی‌تر با مفهوم اخلاق مدرسه آشنا شوند و آن را در مدرسه به کار گیرند. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

● لطفاً تعریفی جامع از مدرسهٔ اخلاق مدار ارائه دهید.

اساساً مدرسه، بافت و بستری است که تجربهٔ تربیتی در آن رخ می‌دهد بنابراین، مدرسه مکان نیست، گل و خشت و آهن نیست، تخته، تلویزیون، وایت‌برد (تابلو سفید) نیست، فراتر از این‌هاست؛ یک بافت است. بافتی از جنس بافت انسانی و این نکته خیلی مهمی است. مدرسه کالبد یا فضای کالبدی نیست، بلکه بافتی از مناسبات انسانی ویژه است که تجربه یا تجربه‌های تربیتی در آن به وقوع می‌پیوندد.

● این بافت چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد.

در مبانی سند تحول مدل مدرسهٔ صالح پیشنهاد شده است. در آنجا ویژگی‌هایی برای این مدرسه صورت‌بندی شده و سعی شده است این بافت انسانی تعریف شود؛ بافتی که در آن قرار است تجربهٔ تربیتی یا تجربهٔ حیات طیبه رخ دهد. برای اینکه بدانیم بافت مناسب برای تربیت چیست و چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد، لازم است بدانیم که اساساً فعل تربیت چیست. در کوتاه سخن، تربیت عمل یا فعل اخلاقی ناظر بر اصولی است که در جهت بسط خیر برای جامعه و آحاد آن محقق می‌شود. اگر این وجه اخلاقی و فعل تربیتی را برجسته کنیم، متوجه می‌شویم که جنس و ماهیت بافت مدرسه چه باید باشد. به سادگی می‌توان نتیجه گرفت که مدرسه که بافت و زیرساخت‌های آن فعل تربیت و تجربهٔ تربیتی است، لزوماً باید اخلاقی باشد تا فعل و تجربهٔ تربیتی‌ای که از آن انتظار داریم، در آن رخ دهد.

شما نمی‌توانید در کارخانهٔ آجرپزی مثلاً لبنیات تولید کنید؛ چون وسایل و سازوکار آن چیز دیگری است. بنابراین، مهم‌ترین، اساسی‌ترین و کلیدی‌ترین مفهومی که ما را به درک بهتر مدرسه و ماهیت مدرسه به‌عنوان بستر و بافت عمل تربیت و تجربهٔ تربیتی رهنمون می‌کند مناسبات اخلاقی است. برای اینکه نتیجه‌گیری را قدری مستند کنیم، شما را به بحث‌های جدی‌تر مثل

مطالعاتی که در تیمز و پرلز صورت می‌گیرد، ارجاع می‌دهم. بسیاری که با این مقوله آشنایی دوری دارند، تصور می‌کنند که در مطالعات تیمز و پرلز، صرفاً عملکرد یادگیری دانش‌آموزان مورد سنجش و مقایسه قرار می‌گیرد. آن‌ها آزمون‌های مداد و کاغذی هستند

مدرسه کالبد یا فضای کالبدی نیست، بلکه بافتی از مناسبات انسانی ویژه است که تجربه یا تجربه‌های تربیتی در آن به وقوع می‌پیوندد

تا آنچه را دانش‌آموزان از طریق کتاب‌ها و در کلاس‌ها یاد گرفته‌اند، اندازه‌گیری نمایند اما این مطالعات وجه مهم دیگری هم دارد که آن وجه مدنظر من است و بسیاری به آن کمتر توجه می‌کنند. در این مطالعات، پرسش‌نامه‌هایی وجود دارد که دانش‌آموزان، معلمان، مدیران و حتی والدین هم آن‌ها را تکمیل می‌کنند و از آن‌ها اطلاعاتی دربارهٔ کیفیت فضای انسانی مدرسه به‌دست می‌آید. مؤلفه‌های بسیار جالبی از مدرسه موردتوجه قرار می‌گیرد؛ مؤلفه‌هایی که به وجه اخلاقی مناسبات مدرسه نیز توجه می‌کنند.

● لطفاً به چند مؤلفهٔ اخلاقی در مدرسه اشاره کنید؟

یک مدرسهٔ اخلاقی حتماً باید امن باشد. آیا بچه‌ها و حتی معلمان در مدرسه و آن بافت احساس امنیت می‌کنند؟ امنیت یکی از ویژگی‌های اخلاقی مدرسه است. امنیت فقط فیزیولوژیک و جسمی نیست؛ مثلاً بچه در معرض خطر قرار بگیرد و دیوار رویش خراب شود. خیلی روشن است که هر مکان آموزشی، از جمله مدرسه، باید امنیت جانی دانش‌آموزان را تضمین کند، اما از نظر روانی هم وقتی دانش‌آموزان وارد مدرسه می‌شوند کاملاً باید احساس امنیت کنند؛ از ناحیهٔ جو

حاکم بر مدرسه، مناسباتی که در مدرسه حاکم است، رابطهٔ بین معلم و شاگرد، رابطهٔ بین مدیر با معلم مدرسه، رابطهٔ بین معلمان و مدیر، مدیر با والدین و رابطهٔ بین دانش‌آموزان با دانش‌آموزان. همهٔ این مناسبات باید امن باشند؛ طوری که وقتی دانش‌آموز وارد چارچوب و چارچوباری مدرسه می‌شود، نفس راحتی بکشد و فکر کند که از خیلی از تنش‌های روحی که در خانه و جامعه داشته، دور است. این امنیت برای والدین هم باید باشد. همه باید با خیال راحت به مدرسه بیایند و وقتی وارد مدرسه می‌شوند، احساس امنیت روانی داشته باشند و کرامت و عزت انسانی‌شان زیر سؤال نرود. سازوکاری باید تعریف شود تا مدرسه، مدرسهٔ اخلاقی شود. مدارسی که کرامت بچه‌ها را زیر سؤال می‌برند، بچه‌ها را تحویل نمی‌گیرند، آن‌ها را با هم مقایسه می‌کنند، رقابت نادرست ایجاد می‌کنند و تبعیض روا می‌دارند، اخلاقی نیستند. از چنین مدرسه‌هایی خیری حاصل نمی‌شود؛ در حالی که مدرسه باید منشأ خیر مشترک جامعه باشد.

● مصداق خیری که به آن اشاره کردید، در تمام جوامع یکسان است؟

ارزش‌های اساسی اخلاقی وابسته به زمان و مکان نیست؛ یعنی جهان‌شمول، فراملیتی و فراقومی است. برای اینکه این معناروشن‌تر شود، مثالی بزنم. مؤلفه‌هایی که در پروژهٔ تیمز به‌عنوان بافت یادگیری مورد بررسی قرار می‌گیرند از این نمونه هستند. در پروژهٔ تیمز به این نتیجه رسیدند که یادگیری در بافت رخ می‌دهد. ویژگی‌های این بافت احساس امنیت جانی و روانی، احساس تعلق و وابستگی و احساس آرامش است. دانش‌آموز اگر مدرسه را از آن خودش نداند، در آنجا یادگیری صورت نمی‌گیرد؛ چون انتظارات مدرسه را از خودش نمی‌داند. بنابراین، مؤلفه‌های بافت یادگیری را که در تیمز و پرلز موردتوجه قرار گرفته است، هر کشوری با هر فرهنگ و آیین و آدابی قبول می‌کند. بنابراین، به این مسئله توجه کنیم که حتماً در مدرسه سازوکارهای اخلاقی باید حاکم شود با

اهداف و اغراض مدرسه بهتر و پایدارتر تحقق پیدا کند. این معنا به نژاد و ملت و زبان و... هم ربطی ندارد.

● لطفاً دربارهٔ احساس تعلق بیشتر توضیح دهید.

اینکه مدرسه را از خودم بدانم. در موفقیت اجتماع نقش دارم و موفقیت اجتماع شرط لازم موفقیت من نیز هست. احساس تعلق با ارزش دیگری به نام همکاری وابسته است. در قرآن آمده است: «تعاونوا علی البر و التقوی»؛ اگر ببذیریم که اساسی‌ترین و حیاتی‌ترین خیر برای جامعه فرایند تربیت، به‌ویژه تربیت نسل نواخته است. بنابراین، طبق سفارش قرآن در بافت مدرسه مهم‌ترین ارزش، همکاری و مشارکت است. همکاری و مشارکت به ایجاد احساس تعلق و وابستگی به مدرسه منجر می‌شود. زمانی که دانش‌آموز حس کند نقشی مؤثر در مدرسه دارد و دیده می‌شود، احساس تعلق در او شکل می‌گیرد و وابستگی‌اش به یک اجتماع و گروه یعنی همان مدرسه به وی هویت می‌دهد.

برخی از کشورها دانش‌آموزان را در مدیریت مدرسه (امور ساده و قابل اجرا) به‌طور جدی مشارکت می‌دهند؛ مثل نظافت، مراقبت از دانش‌آموزان کوچک‌تر و مراقبت از باغچهٔ مدرسه. مصادیقی این‌چنین که احساس تعلق ایجاد می‌کند. در نهایت، مدرسه باید یک نهاد کاملاً مشارکتی دیده شود.

● در صحبت‌هایتان به اخلاق حرفه‌ای اشاره کردید. لطفاً در این باره بیشتر توضیح دهید.

بحث اخلاق حرفه‌ای اخیراً در جامعه به‌عنوان ضرورتی جدی مطرح می‌شود. اخلاق حرفه‌ای جریان اجتماعی سازنده‌ای است که در همهٔ حوزه‌های حرفه‌ای و بخش‌های مختلف جامعه نفوذ پیدا کرده و ضرورت آن برای همگان آشکار شده است. یکی از شاخه‌های اخلاق حرفه‌ای، اخلاق آموزش است. همان‌طور که در پزشکی، در وکالت، ورزش، کسب‌وکار، مهندسی و پرستاری مشاوره داریم، در کنار این مشاغل اخلاق آموزش هم

داریم. در بحث توسعهٔ اخلاق آموزش در نهادهای آموزشی دو رویکرد وجود دارد؛ یکی اخلاق حرفه‌ای فردی است. هر حرفه‌ای ارزش‌های اخلاقی خاصی را می‌طلبد که فرد باید در حرفهٔ خود از آن‌ها آگاه باشد و در عمل آن‌ها را رعایت کند. این بدان معناست که معلمی هم به‌عنوان یک حرفه نیازمند مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی است که معلم در کار و عمل باید آن‌ها را به کار گیرد و بنابراین، باید آموزش ببیند که ارزش‌های اخلاقی ویژه‌ای را در عمل رعایت کند.

اخیراً رویکرد جدیدی در اخلاق حرفه‌ای به‌وجود آمده و از سمت فرد به سمت سازمان سوق پیدا کرده است. در واقع، به دنبال ایجاد سازمان اخلاقی است تا فرد اخلاقی؛ یعنی سازمان به‌عنوان یک شخصیت حقوقی باید ارزش‌های اخلاقی را در عمل خود و خدماتی هم که به دیگران می‌رساند رعایت نماید. به نحو

مدارسی که کرامت بچه‌ها را زیر سؤال می‌برند، بچه‌ها را تحویل نمی‌گیرند، آن‌ها را با هم مقایسه می‌کنند، رقابت نادرست ایجاد می‌کنند و تبعیض روا می‌دارند، اخلاقی نیستند

خاص و در ارتباط با موضوع بحث ما یعنی مدرسه چنین می‌نماید که افزون بر ضرورت اخلاقی بودن کارگزاران مدرسه، خودِ مدرسه هم باید اخلاقی باشد. به سخن دیگر، بافتی که تربیت در آن محقق می‌شود باید اخلاقی باشد. جریان اخیر این‌گونه است که نه تنها افراد در مدار عمل حرفه‌ای خود ارزش‌های اخلاقی را رعایت کنند و برخلاف این‌گونه ارزش‌ها عمل نکنند، بلکه خود سازمان‌ها هم باید رویکرد اخلاقی داشته باشند.

● تفاوت اخلاق معمولی و انسانی با اخلاق حرفه‌ای چیست؟ ارتباط اخلاق عمومی با اخلاق حرفه‌ای

رابطهٔ عموم و خصوص مطلق است؛ به این صورت که وقتی موضوع اخلاق در یک حوزهٔ حرفه‌ای خاص پیش می‌آید، برخی از اصول اخلاقی در آن حوزه برجسته‌تر می‌شود. مثلاً رازداری یک اصل اخلاقی است، همه باید رازدار باشند و نباید راز افراد را برملا کرد؛ چون در صورت برملا شدن، خیانت در امانت محسوب می‌شود، اما وقتی پای شغلی مثل مشاوره یا پزشکی به میان می‌آید، رازداری در آن حوزه یک ارزش برجسته محسوب می‌شود. امانت‌داری یک ارزش اخلاقی مهم است و همه باید در مناسبات اجتماعی خود امانت‌دار باشند. خیانت در امانت چنان قبحی دارد که قانون هم برای آن جریمه در نظر گرفته است. مدرسه هم به‌عنوان یک شخصیت حقوقی باید امانت‌دار باشد. امانت او فرزندان خانواده‌هاست. مدرسه باید فرزندان خانواده‌ها را به امانت ببذیرد و امانت‌دار خوبی باشد.

● چگونه می‌توان در اخلاق حرفه‌ای با اجرای قوی مواجه شد؟

اخلاق، ما را در ساخت قانون قرار می‌دهد. وقتی اخلاق من حرفه‌ای باشد، به قوانینی که در حوزهٔ حرفه‌ای خودم است، احترام می‌گذارم. معلم در فضای مدرسه باید به قوانین مدرسه احترام بگذارد؛ اگر چه ممکن است نقد هم داشته باشد. نقدش را می‌تواند از مجرای درست آن دنبال کند. قانون‌شکنی در فضای مدرسه به شدت سرایت می‌کند و می‌تواند نفی غرض مدرسه باشد. چون ما در مدرسه می‌خواهیم شهروند خوب تربیت کنیم و بنیاد شهروند خوب، قانون‌گرایی است.

در جامعه مدارس داریم که کاملاً منش مشخصی دارند؛ برای مثال، منش مدرسه منش رقابتی است. پس، دانش‌آموزان را وارد فرایند رقابتی خیلی سخت و خشنی می‌کنند که خروجی آن، این است که چند نفر در المپیاد، چند نفر رتبهٔ دو رقمی در کنکور و ... داشته باشند. این نهایت خروجی مدرسه محسوب می‌شود؛ در حالی که از بحث ارزش‌های اخلاقی در بافت مدرسه، این مسئلهٔ حیاتی، غفلت می‌کنند. متأسفانه

اخلاق، ما را در ساحت
قانون قرار می‌دهد.
وقتی اخلاق من حرفه‌ای
باشد، به قوانینی که در
حوزه حرفه‌ای خودم
است، احترام می‌گذارم

ارزش اخلاقی کمتری داشته باشند. مثلاً ادب منسوب به عفت (خویشتن بانی) و آموزش عفت به عنوان ارزش اخلاقی جهانی در جامعه ما یک تعریف داشته باشد و در جامعه دیگر، تعریفی دیگر، اما در هر صورت عفت یک ارزش اخلاقی است؛ یعنی ممکن است شکل بیرونی و رفتاری یک ارزش در جاهای مختلف متفاوت باشد اما اصل ارزش، یکسان و غیروابسته به بافت و موقعیت است. نکته اینکه آیه‌ای از قرآن به پیامبر می‌گوید: «ای پیامبر، اگر خلق تو خوش نبود همه افراد از اطرافت پراکنده می‌شدند»؛ یعنی مأموریت برای ابلاغ پیام آسمانی از مسیر ویژگی‌های اخلاقی پیامبر (ص) ما گذشته است. پس اگر پیامبر (ص) خلق ناگواری داشتند؛ قطعاً برای ابلاغ پیام خداوند برگزیده نمی‌شدند. به همین سیاق، مدرسه هم اگر خوش‌اخلاق نباشد در تربیت موفق نخواهد شد.

● **پس با توجه به تعاریف شما اگر بخواهیم اخلاق را در مدرسه جاری کنیم، با دستور و ابلاغ انفاقی نمی‌افتد.**

بله، اخلاق مانند روح حاکم بر فضای مدرسه است. با دستور و بخشنامه جاری و ساری نمی‌شود.

● **کلمه مراقبت را بیشتر توضیح دهید. چون مراقبت نگاهی فرایندی است ولی این مراقبتی که شما مطرح کردید، از این جنس نیست.**

مهم‌ترین مصداق اخلاق مراقبت، رفتار مادرانه است. مادر زمینه رشد و پیشرفت بچه‌هایش را چطور فراهم می‌کند؟ دستوری؟ مادر فضای محبت، عشق، همدلی و پذیرش را فراهم می‌سازد تا بچه‌ها در آن فضا نشو و نما کنند. عنصر مورد نیاز در مراقبت، حس همدلی است؛ یعنی پذیرش و درک عمیق مراقبت‌شونده. عنصر دیگر، محبت بی‌قید و شرط است. سومین عنصر در مراقبت ایجاد احساس امنیت در مراقبت‌شونده است. باید مراقبت‌شونده از حضور و وجود مراقبت‌کننده احساس امنیت و آرامش کند.

درخواست فرار بود. او می‌گوید من به قانون شهری که هفتاد سال در پناهش در امنیت می‌زیسته‌ام، خیانت نمی‌کنم؛ حتی اگر آن قانون تصمیم گرفته باشد مرا نابود کند. این اصل خیلی مهم است. این شاهکار اخلاق حرفه‌ای است. مدیر مدرسه‌ای که در بافت قانونی یک جامعه زندگی می‌کند، اگر قوانین آن جامعه را زیر پا بگذارد از ساحت اخلاق دور شده است و مدرسه‌اش اخلاقی نخواهد بود.

● **برای پیشبرد اهداف اخلاق‌مداری در مدرسه چه توصیه‌ای دارید؟**

اخلاق با دستور پیش نمی‌رود. شما نمی‌توانید با بخشنامه مدرسه را اخلاقی کنید، اخلاقی شدن از همان دوره ابتدایی و کف مدرسه رخ می‌دهد؛ یعنی ما باید در جامعه تغییری ایجاد کنیم. همچنان که بیان شد، این اخلاقی شدن هم باید از مجرای ارزش اخلاقی مشارکت بگذرد. معنی‌اش این است که در مدرسه اخلاقی یک روش است نه صرفاً نتیجه. پیشنهاد این است که خود ذی‌نفعان و ذی‌ربطان مدرسه با مشارکت یکدیگر منشور اخلاقی برای مدرسه و اولیای مدرسه (دانش‌آموزان، والدین، کارکنان، معلمان و مدیران) و حتی نماینده جامعه محلی تعریف کنند؛ یعنی حقوق و مسئولیت‌های اخلاقی هر یک تعریف شود. وقتی همه افراد و گروه‌ها خود را در تدوین این منشور اخلاقی مؤثر بدانند، بی‌تردید آن را از آن خود تلقی می‌کنند و خویش را موظف به تبعیت از آن منشور می‌دانند. این کار در سطح کلاس هم قابل اجراست.

● **اخلاق حرفه‌ای چقدر تحت تأثیر ایدئولوژی است؟**

ارزش‌های اخلاقی ممکن است در یک کشور برجسته‌تر باشند و در جایی دیگر

در بسیاری از مدارس ما منش رفتاری ندارند بلکه منش رقابتی دارند. رقابت به عنوان ارزش بافتی در مدرسه بر خلاف ارزش مشارکت (تعاونوا علی البر و التقوی) است؛ در حالی که برای تحقق خیر مشترک، دانش‌آموزان باید با یکدیگر همکاری و مشارکت داشته باشند. به نظر می‌رسد ما باید روی مدرسه اخلاق‌مدار کار کنیم تا بستر و بافت مناسبی برای یادگیری فراهم شود.

● **در زمینه اخلاق حرفه‌ای چه توصیه‌ای برای مدیران مدارس دارید؟**

مدیری که آغوشش به روی دانش‌آموزان باز باشد و رفتارش با دانش‌آموز، مانند رفتارش با فرزند خودش باشد. محبت و توجه یکسانی به همه دانش‌آموزان داشته باشد. از نظر مدیر حرفه‌ای، دانش‌آموز ویژه وجود ندارد؛ حتی اگر فرزند خودش باشد. سازکار مدرسه باید طوری باشد که همه بچه‌ها در آن احساس امنیت کنند. کارکرد و منش مدرسه مراقبت است؛ مراقبت از رشد امنیت، از اخلاق و سلامت بچه‌ها. این روحیه مدرسه است و روحیه معلم، روحیه خدمتگزار و سایر کارگزاران مدرسه هم باید چنین باشد. تمامی قوانین و مقررات مدرسه باید طوری باشند که مراقبت از رشد در آن‌ها کاملاً نشان داده شود.

یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در مدرسه مدیر مدرسه است. مدیر مدرسه‌ای که به قانون و قواعد و دستورالعمل‌هایی که از مراجع بالاتر ابلاغ می‌شود احترام نگذارد، در ساحت اخلاق قرار نگرفته است. یکی از قهرمانان بزرگ اخلاقی جهان در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت که وابسته به فرهنگ ما هم نیست ولی از ایشان تعریف می‌شود و در اشعار و کتاب‌ها از او یاد شده، سقراط است. سقراط شخصیتی است که به جرمی واهی دولت آتن او را دستگیر کرد و در دادگاه به اعدام محکوم شد. دوستان سقراط فرصتی برای فرار وی فراهم کردند اما عکس‌العمل او در مقابل لطف دوستانی که مقدمات فرارش را فراهم کرده بودند، تمکین نکردن به